دین و آزادی

آسیب‌شناسی تحزب در ایران

موضوع ویژه شماره اخیر نشریه نامه به «حزب و سیاست‌ورزی» اختصاص یافته است. ابراهیم یزدی نیز در مقاله‌ای مفصل به بررسی احزاب در ایران پرداخته است. بخش کوتاهی از این مقاله به شرح زیر است: ۱- تحولات سیاسی اخیر در آرایش نیروهای سیاسی از یک طرف و تشکیل احزاب سیاسی جدید از طرف دیگر، حاکی از آن است که مبارزان سیاسی به ضرورت تشکیل احزاب سیاسی به‌عنوان پیش‌نیاز توسعه سیاسی توجه پیدا کرده‌اند. این به‌نوبه خود بسیار مهم و امیدوارکننده است. اما تشکیل احزاب یک مسئله است و عملکرد حزبی و دوام آنها مسئله‌ای جدی‌تر؛ سابقه تاریخی حاکی از کوتاهی عمر احزاب سیاسی است. بحث آسیب‌شناسی تحزب در ایران اگرچه مدت‌ها است در میان طیف گسترده‌ای از روشنفکران مطرح است، اما بررسی این مسئله می‌تواند همچنان مفید و آموزنده باشد. ۲- آسیب‌شناسی واژه‌ای است فارسی معادل پاتولوژی (Pathology) در علوم پزشکی. پاتولوژی یا آسیب‌شناسی، علم مطالعه و بررسی ویژگی‌های اساسی بیماری‌ها به‌خصوص تغییرات ساختاری (Structural) و کارکردی (Functional) در سلول‌ها، بافت‌ها و ارگان‌های موجود زنده بر اثر بیماری تعریف شده است. علاوه بر این، در آسیب‌شناسی، هر وضعیت غیرعادی، غیرطبیعی یا انحراف در ساختارها و کارکردها مورد بررسی قرار می‌گیرد، تعریف‌شده و تشخیص داده می‌شود. منظور از آسیب‌شناسی تحزب در ایران این است که ببینیم با توجه به این که حزب یک پدیده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با ویژگی‌های عادی و نرمال و ساختارها و کارکردهای مشخص و تعریف‌شده است، چرا جامعه ایرانی غیرحزبی مانده است؟ چرا احزاب قوی، ماندگار و تاثیرگذار در صحنه سیاسی ایران حضور ندارند؟ برای پاسخ به این پرسش نیاز به بررسی آسیب شناسانه است؛ اما وقتی می‌پرسیم که چرا جامعه ایرانی چنین مانده است، از آسیب‌شناسی عبور کرده‌ایم و وارد قلمرو علم‌الاسباب یا سبب‌شناسی اتیولوژی (Etiology) یک وضعیت بیمارگونه و غیرعادی شده‌ایم. اتیولوژی واژه‌ای رایج در شاخه علوم پزشکی برای فهم و بیان علل و اسباب بیماری‌ها، بیماری‌زایی یا آسیب‌زایی یا پاتوژنزیس (Pathogenesis) است؛ اما آسیب‌شناسی پزشکی شاخه‌هایی دارد نظیر آسیب‌شناسی مقایسه‌ای یا تطبیقی، آسیب‌شناسی تجربی، آسیب‌شناسی عمومی یا تخصصی (اطفال، جراحی و . . . .) آسیب‌شناسی بیماری‌ها در اطفال با اشخاص عادی یا سالمندان متفاوت است و هر یک ویژگی‌های خود را دارد. در آسیب‌شناسی تحزب، نمی‌توان وضعیت احزاب در یک جامعه مدرن و توسعه‌یافته را با یک جامعه در حال توسعه یا جامعه در حال انتقال مقایسه کرد. علل انفعال سیاسی مردم و رویگردانی آنان از احزاب در جامعه توسعه‌نیافته و پیشادموکراسی با یک جامعه دموکراتیک و توسعه‌یافته متفاوت است. دریافت و فهم این تفاوت‌ها در تشخیص آسیب‌شناسی در علل و اسباب وضعیت‌های بیمارگونه، مهم و ضروری است. ۳- جامعه ایران یک جامعه در حال انتقال (Transitional Society) است و علاوه بر دارا بودن ویژگی‌های یک جامعه در حال انتقال از وضعیت‌های شکل‌گرفته تاریخی- سنتی به یک جامعه جدید و در حال دگردیسی (Transformation)، بسیاری از هنجارها و رفتارهای فردی و جمعی جامعه، در حال دگرگونی و تغییر در شکل و محتوا است. [...]

اندیشه آزادی

مبنای لیبرالیسم؛ دفاع از عدالت

روزنامه سرمایه در روز یازدهم تیر ماه گزارشی از سخنرانی موسی غنی‌نژاد را در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران با موضوع «اقتصاد و لیبرالیسم» منتشر کرد که بخش کوتاهی از آن را با هم می‌خوانیم: غنی‌نژاد سخنرانی خود را با واژه «حق» شروع کرد و انسان را دارای حق ذاتی و طبیعی دانست. «واژه حق، واژه‌ای است که با فعل داشتن صرف می‌شود. به عبارتی حق، یعنی حق داشتن یا حق برخورداری از چیزی. تعریفی جز حق داشتن یا مالکیت برای آن، غیرقابل تصور است.» وی برای مفهوم مالکیت دو جنبه قایل شد، یکی مالکیت به معنای عام و دیگری مالکیت به معنای خاص. در توضیح مالکیت به معنای عام به حق حیات انسان اشاره کرد و گفت: «حق حیات انسان به معنای آن است که انسان مالک زندگی خود است و برده دیگری نیست و مالکیت به این معنا دارای حق حیات و آزادی است، حق آزادی نوعی حق مالکیت است.» وی در حاشیه به بحث عدالت پرداخت و آن را مفهومی مستلزم مفهوم حق دانست و در این راستا عدالت را به معنای استیفای حق و ظلم را به معنای نفی یا نقض حق به کار برد و ادعا کرد وقتی لیبرال‌ها بحث مالکیت و آزادی را مطرح می‌کنند در حقیقت به دنبال بحث راجع به عدالت هستند. وی اتهام نادیده گرفتن بحث عدالت توسط لیبرال‌ها را بی‌پایه و اساس دانست و اتفاقاً بحث اولیه لیبرال‌ها را بحث عدالت معرفی کرد. غنی‌نژاد به جنبه دیگر مالکیت، یعنی مالکیت به معنای خاص اشاره کرد و گفت: «مالکیت به معنای خاص آن چیزی است که در اقتصاد و زندگی روزمره با آن روبه‌رو هستیم و همان مالکیت بر اموال است که می‌توان آن را ادامه مالکیت به معنای عام دانست. یعنی فرد برای حفظ حیات خود، مجبور به تلاش است. محصول تلاش وی آن چیزی است که به فرد تعلق دارد و این همان مفهوم مالکیت خصوصی یا فردی است. انسان، مالک وجود خود است و وقتی در مورد مالکیت صحبت می‌شود، مفهوم دوم مالکیت یعنی مالکیت خصوصی و مالکیت بر اموال به نظر می‌رسد. البته نباید فراموش کرد که مالکیت خصوصی زیرمجموعه مالکیت به معنای عام کلمه است که به حق ذاتی انسان و تئوری عدالتی که لیبرال‌ها به آن معتقدند، برمی‌گردد.» این استاد دانشگاه حق مالکیت بر اموال و آزادی انتخاب را از مبانی مفهومی اندیشه اقتصادی مدرن دانست و مبانی مفهومی اندیشه اقتصادی مدرن و علم اقتصاد را «حق مالکیت» و «حق آزادی» معرفی کرد. او همچنین از مباحث اصلی و اولیه اقتصاد به انتخاب مصرف‌کننده و در حقیقت آزادی انتخاب اشاره کرد و در ادامه افزود: «آزادی، بدون انتخاب معنا ندارد و به همین خاطر است که علم اقتصاد با «آزادی» شروع می‌شود. بسیاری از اقتصاددانان، به‌خصوص اقتصاددانان کلاسیک سعی داشتند علم اقتصاد را علم آزادی و مالکیت خصوصی معرفی کنند.» سپس غنی‌نژاد به بحث عدالت که در ابتدای سخنانش به آن اشاره کرده بود، پرداخت و در توضیح عدالت، دوباره به بحث مالکیت و آزادی اشاره کرد متهما رویکرد به عدالت را در دیدگاه لیبرالیسم متفاوت دانست و آن را در رویکرد به شرایط زندگی اجتماعی معرفی کرد نه نتایج زندگی اجتماعی. وی این طرز برخورد با عدالت را لیبرالی خواند و در ادامه گفت: «حدود هزار سال در قرون وسطا، متالهین مسیحی راجع به قیمت عادلانه بحث کردند، ولی در مورد چگونگی تعیین قیمت عادلانه به نتیجه‌ای نرسیدند. [...]

دین و برابری

بحران تراژیک روشنفکری ایران

روشنفکری در نگاه علیرضا رجایی ذاتاً دچار بحران است تا آنجا که با پایان این بحران، روشنفکری نیز پایان می‌یابد اما باز می‌گوید: لزوماً روشنفکری وارد مباحث سیاسی نمی‌شود. چندی پیش خبرگزاری میراث فرهنگی در گفت‌وگویی با علیرضا رجایی به بررسی جریان روشنفکری در ایران پرداخت. بخش کوتاهی از این گفت‌وگو در ذیل می‌آید:

■ به گمان شما روشنفکری ایران در حال حاضر در چه «وضعیتی» قرار دارد. کجا ایستاده است و ویژگی‌های این وضعیت چیست؟

وقتی ما مفاهیم را نقطه‌عزیمت بحثمان قرار می‌دهیم، بحث مشکل می‌شود. نقطه‌عزیمت این بحث روشنفکری در ایران است و می‌دانید که مفهوم روشنفکری همیشه مفهومی چالش‌برانگیز بوده است. به این معنی که نمی‌توان با اطمینان از تعریفی ثابت و مشترک از روشنفکری سخن گفت. اصولاً روشنفکری یک مفهوم ایدئولوژیک است و به همین دلیل به طور مستقیم یا غیرمستقیم مفهومی سیاسی هم هست. به نظر می‌رسد که روی این چارچوب اجمالی توافق نسبی وجود دارد اما معنی این حرف این نیست که چون روشنفکری یک مفهوم ایدئولوژیک است و ایدئولوژی‌ها غالباً دارای تعلقات سیاسی هستند، حتماً هر روشنفکری لزوماً و با علم و عمد وارد فعالیت سیاسی می‌شود. با توجه به متنی که در سئوال شما وجود دارد یعنی فضای هفت، هشت سال اخیر که در آن روشنفکران برجستگی خاصی یافته‌اند، باید گفت با توجه به گستردگی سطح آموزش در ایران اغلب روشنفکران وارد فعالیت سیاسی نشدند. حمایت‌های سیاسی ضمنی البته تا حدودی وجود داشته است اما اینکه در یک تقسیم کار سیاسی فعالانه حضور داشته باشند، سابقه ندارد. مثلاً اساتید دانشگاه و یا معلمین مدارس به‌رغم حمایت‌های ضمنی از یک یا چند پروژه سیاسی در یک عمل جمعی و مشخص شرکت نداشته‌اند.

■ مقصود این است که روشنفکری ما در شرایط خاص چه رفتاری کرده است و اکنون در چه شرایطی قرار دارد؟

پاسخ پرسش شما در ادامه بحث پیشین من مستتر است که اگر مفهوم روشنفکری آمیخته با مضمون سیاسی لزوماً با فعالیت و «act» سیاسی همراه نباشد می‌توان احتمالاً نتیجه گرفت که بخشی از روشنفکران ما منفعل هستند. در عین حال هم می‌توان حدس زد که چه به لحاظ فرهنگی-اجتماعی و چه به لحاظ ایدئولوژی اساساً ناراضی است. این نارضایتی ذهنی از یک طرف و در عین حال فقدان عمل سیاسی از طرف دیگر موجب همان چیزی می‌شود که موضوع اصلی بحث ماست یعنی بن‌بست روشنفکری. از یک سو دانشگاه‌ها، مدارس، شورای نویسندگان، نهادهای حقوقی و کلیه نهادهایی که روشنفکران در آنها فعالیت می‌کنند، باید بازتولید نظام سیاسی کنند در عین حال روشنفکران این کارکرد را ندارند. مثلاً با کتابی که منتشر می‌کنند یا با نحوه تدریس و . . . وضع بسیار پیچیده‌ای را ایجاد می‌کنند. چرا که از یک طرف تمامی این نهادها برای پایداری بیشتر نظام سیاسی تاسیس شده است و از طرف دیگر بازتولیدی که از سوی روشنفکران اتفاق می‌افتد لزوماً بازتولید نظام سیاسی نیست. [...]

اندیشه برابری

احزاب و بحران برنامه سیاسی

آنچه در زیر می‌آید بخش کوتاهی از مقاله رضا فانی یزدی در شماره پنجاه‌ویکم نشریه نامه است: با وجود این‌که روشنفکران و فعالان سیاسی در جامعه ایران از یکصد سال پیش یعنی از آغاز نهضت مشروطه به فعالیت حزبی عنایت و توجه نشان داده‌اند و در دوره‌های معینی احزاب نیرومند سیاسی در کشور پاگرفته و در حیات سیاسی کشور نقش قابل‌توجهی ایفا کرده‌اند، متاسفانه هنوز کشور ما فاقد ساختار حزبی بوده و شاهد حضور احزاب ماندگار و اثرگذار با استمرار حضور سیاسی و حزبی آنها نیستیم. تاریخ یکصدساله اخیر ایران شاهد حضور بیش از یکصد حزب و سازمان سیاسی و انجمن بوده است؛ احزاب، سازمان‌ها، انجمن‌های مخفی و علنی، هیات‌ها و ائتلاف‌ها و جبهه‌های متعددی به‌وجود آمده و از بین رفته‌اند. تمایل به فعالیت حزبی و سازمان‌یافته در تمام این دوران منحصر به نحله معینی نبوده است. اساساً هر سه نحله عمده فکری، سیاسی و تاثیرگذار در تحولات یکصدساله اخیر ایران، اعم از ملیون، چپ‌ها و مذهبیون در شکل‌گیری احزاب نقش جدی ایفا نموده و احزاب معتبری را در ابعاد کوچک و بزرگ سازماندهی کرده‌اند. شکل‌گیری احزاب و تمایل به سازماندهی حزبی در تاریخ معاصر ما همیشه با رفتار حکومت و قدرت حاکم رابطه مستقیم داشته است. در هر دوران متناسب با میزان فشار و سرکوب شاهد افت‌وخیزهای جدی در فعالیت حزبی در جامعه هستیم. در تاریخ یکصدساله اخیر دوره‌های معینی وجود دارد که ویژگی آنها وجود فضای نسبتاً باز سیاسی در کشور و پذیرش آزادی‌های نسبی برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی است. رشد چشمگیر آزادی‌های سیاسی و صنفی ویژگی این دوره‌ها است.

■ دوره مشروطیت و پیدایش احزاب مدرن

این دوره همزمان است با آخرین سال‌های حکومت قاجار و همزمان با شکل‌گیری انقلاب مشروطیت که شاهد رشد چشمگیر احزاب سیاسی در ایران هستیم. این احزاب که عمدتاً می‌توان آنها را در سه نحله کلی دسته‌بندی کرد، گرچه محصول این دوران تاریخی هستند اما تاثیر و ردپای آنها را می‌توان تا دو دهه پس از انقلاب بهمن ۵۷ یعنی بیشتر از ۸۰ سال پس از تاسیس و پیدایش آنها در تاریخ دنبال کرد. این دوران در حقیقت دوران جدیدی در تاریخ کشور ما است؛ نخبگان جامعه برای اولین‌بار از طریق مطبوعات، روزنامه‌ها و نشریات روزانه و هفتگی به انتشار نظریات خود در جامعه اقدام می‌کنند. مهمترین نشریات تاریخی مطبوعات ایران همچون صوراسرافیل، مساوات، روح‌القدس، حبل‌المتین، نسیم‌شمال، قانون، حکمت، وقایع اتفاقیه و ده‌ها نشریه دیگر محصول این دوران بوده است که در تیراژ وسیع در تهران، تبریز و دیگر شهرهای مهم کشور توزیع می‌شده‌اند. هسته‌های جدی‌ترین احزاب سیاسی کشور در میان گروه‌های مختلف جامعه در این دوران شکل می‌گیرد. اولین سازمان سیاسی مدرن ایرانی به‌نام «همت» که در حقیقت نطفه اولیه جریان چپ در ایران است، در سال ۱۹۰۴ در باکو شکل می‌گیرد. فرقه اجتماعیون-عامیون ایران که در حقیقت اولین حزب سوسیال-دموکرات ایرانی است، از درون این سازمان بیرون می‌آید و از همین حزب است که اولین حزب مدرن سیاسی در ایران یعنی حزب دموکرات ایران متولد می‌شود. [...]

عبور از مدرنیته

هرمنوتیک فرویدی

محمد ضیمران در مقاله‌ای که در شماره اخیر نشریه خردنامه منتشر شده به یکی از مناقشه‌برانگیزترین مباحث در حوزه فلسفه و روانکاوی یعنی برداشت پل ریکور از فروید که در کتاب قطوری در باب آرای وی بازتاب یافته و خوانش لکان از فروید می‌پردازد. بخش کوتاهی از این مقاله در زیر می‌آید: با مراجعه به زندگینامه فروید، خواننده درمی‌یابد که او در دوران جوانی فلسفه کانت را خوانده بود. در دانشگاه وین نیز از محضر درس استاد برجسته فلسفه فرانتس برنتانو بهره‌مند شد. او بود که فروید را به مطالعه آثار فلسفی جان استوارت میل علاقه‌مند کرد. در دانشگاه وین مصمم به ادامه تحصیل در رشته فلسفه بود، اما دیری نگذشت که تحت‌تاثیر اندیشمند فیزیولوژیست ارنست بروک قرار گرفت و زیست‌شناسی را دنبال کرد. با این حال تاثیر اندیشه‌های برنتانو به خصوص آموزه معروف او، حیث التفاتی بر فروید امری است انکارناپذیر. او این آموزه را در مورد ساحت ناخودآگاه به کار گرفت. برنتانو فروید را با روایت ویژه خویش در باب منطق ارسطویی آشنا کرد. از سوی دیگر برنتانو فروید را واداشت تا منطق معروف استوارت میل را به دقت مطالعه کند. این امر بر تحلیل او از روانشناسی عصبی تاثیری انکارناپذیر بر جای گذاشت. روش جان استوارت میل بر شیوه استدلالی کلود برنارد به خصوص در کتاب مطالعاتی در طب تجربی بازتاب یافت. فروید نیز در تفسیر رویای خود از این روش بهره جست. درواقع تفسیر رویای فروید از لحاظ روشی از دو آبشخور عمده سیراب شد: یکی روش جان استوارت میل و دیگر اصول و مبانی برهانی کلود برنارد. راهبرد اصلی جان استوارت میل بیشتر بر طرح مصادیق و نمونه‌ها و ضد نمونه‌ها استوار بود. فروید نیز در روایت روانکاوی عصبی خویش به تاسی از جان استوارت میل شیوه بررسی کارکرد بهنجار و نابهنجار را مدنظر قرار داد. بعضی بر این باورند که اندیشه‌های کانت، اسپینوزا و نیچه بر جهت فکری فروید موثر بوده است، اما جز ارجاعات محدود، اثبات این مواضع با دشواری‌های گوناگونی روبه‌رو است. یکی از مهمترین پیش‌انگاره‌های فکری فروید گریز از نیروهای فراطبیعی و از جمله مفهوم روح و به‌خصوص خلود نفس در فلسفه‌های متقدم بود. نظریه فروید در مورد مناسبت ساحت تنانی و قلمرو ذهن سخت مبهم و پیچیده می‌نماید. آنچه که ویژگی رویکرد فروید به مسائل روانشناختی را مشخص می‌کند، همانا گرایش وی به وجهی موجبیت علمی است. مطالعه آثار اصلی فروید در این زمینه راهگشا نیست. بدیهی است که او به مفهوم ادراکات فراحسی به هیچ روحی در قالب توانایی‌های فراجسمی نظر نداشت، بلکه مدعی بود که فرآیندهای آگاهانه و یا ناآگاهانه روانی تنها با فعالیت سلول‌های عصبی ارتباط دارند. جالب توجه این که نظریه رانه‌ها و سوائق فروید در رساله معروفش فراسوی اصل لذت رهنمودی است در جهت فهم و دریافت رفتار بهنجار یا نابهنجار. به تعبیری باید گفت یکی از غامض‌ترین موارد و موضوعات فلسفی در اندیشه‌های وی ارتباط میان ذهن و جسم آدمی است. بعضی از پژوهندگان اندیشه‌های او از جمله اندرسون مدعی اند که او را می‌توان در زمره طرفداران تعاملی میان ذهن و جسم به شمار آورد. اما بعضی نیز او را در این قلمرو ثنوی می‌شمارند و چنین استدلال می‌کنند که او به وجهی توازی میان ذهن و جسم قائل است. [...]

دغدغه سنت

آفتابی در پس ابر

موضوع ویژه شماره هشتم ماهنامه فرهنگی تاریخی «شاهد یاران» به بررسی زندگی و آرای شهیدبهشتی اختصاص یافته است. آنچه در زیر می‌آید بخشی از مقاله علی دوانی به همین مناسبت است. شهیدبهشتی وقتی در قم بود، از جمله در جلسات شب‌های چهارشنبه که استاد فقید علامه طباطبایی «اصول فلسفه و روش رئالیسم» را تدریس می‌کردند، مرتب شرکت می‌کرد و سخنگوی عمده جلسه بود. برنامه این جلسه هم‌چنین بود که علامه طباطبایی آن درس را قبلاً می‌نوشت و می‌آورد و می‌خواند و شرح می‌داد و بعد توسط حضار درباره آن بحث و بررسی می‌شد. شهیدبهشتی و شهیدمطهری از اعضای مهم جلسه بودند. وقتی هم به تهران رفتند، گاهی که به قم می‌آمدند، مقید بودند که در آن جلسه شرکت کنند از شرکت‌کنندگان جلسه مزبور کسانی را که به یاد دارم، شهیدمطهری، شهیدبهشتی، شهیدقدوسی، آقایان مکارم، سبحانی، آذری‌قمی و جمعی دیگر از فضلای نامی حوزه بودند که درست به‌خاطر ندارم. شهیدبهشتی در تهران مسئول بررسی کتاب‌های درسی در وزارت فرهنگ بود. یعنی سعی داشت نگذارد مباحث خلاف تعالیم اسلام و اصول اخلاقی وارد کتاب‌های درسی شود و چنان‌که باید هم از عهده آن برمی‌آمد. پس از رحلت آیت‌الله بروجردی، شهیدبهشتی با کمک شهیدقدوسی و جمعی دیگر مدرسه حقانی (منتظریه) قم را به‌صورت نمونه درآوردند. بودجه آن را گویا از آیت‌الله میلانی و آیت‌الله خوانساری می‌گرفتند. دروس حوزه به طرزی نوین و دروس جنبی دیگر با برنامه‌ریزی دقیق که از آن، طلاب درسخوان و منضبط با بینشی نو پدید آمد توسط استادان خوبی تدریس می‌شد. بسیاری از مسئولان کنونی نظام، فارغ‌التحصیل آن مدرسه هستند. چند ماه بعد از رحلت آیت‌الله بروجردی، مرحوم شیخ محمد محققی لاهیجانی به عللی نتوانست در بندر هامبورگ آلمان بماند و او که نماینده آیت‌الله بروجردی در آلمان بود به کشور بازگشت. به یاد دارم که حاج آقا مرتضی حائری می‌گفت «آلمان جای آقای بهشتی است» و سرانجام او را بر آن داشتند که به آلمان برود و امور دینی و مسجد و تشکیلات مذهبی ایرانیان مقیم آلمان را در بندر هامبورگ اداره کند. شهیدبهشتی مدت پنج سال در آلمان اقامت داشت و به نحو شایسته‌ای از عهده آن مهم برآمد. می‌شنیدم که جوانان مسلمان و حتی غیرایرانی‌ها و شیعیان را سخت تحت‌تاثیر قرار داده است و پیوسته از این شهر آلمان به آن شهر و از این کشور به آن کشور دعوت می‌شود و کنفرانس می‌دهد. شهیدبهشتی پس از پنج سال به ایران بازگشت و در تهران به کارهای علمی و برنامه‌ریزی برای اداره جوانان انقلابی و راهنمایی آنها مشغول شد. از جمله با جمعی بهترین کتاب‌ها را برای مطالعه نسل جوان فهرست‌بندی و تکثیر کرد و به جوانان دختر و پسر می‌دادند تا بدانند چه کتاب‌هایی در چه رشته‌هایی برای آنان سودمند است و می‌توانند بدون تشویش خاطر بخوانند که این کاری درخور تحسین بود. او به‌طور پنهانی با گروه‌های انقلابی دانشجو و غیر آنان در ارتباط بود. با امام‌خمینی(ره) که در نجف بودند، ارتباط داشت. رهنمود می‌گرفت و اجرا می‌کرد و بر سر این موضوع نیز گویا چند بار بازداشت شد. در یک کلام شهیدبهشتی در حد خود فردی استثنایی بود. چهار زبان را خوب می‌دانست. از جمله انگلیسی، آلمانی، عربی و . . . کتابخانه‌ای داشت که بیشتر کتاب‌هایش به زبان خارجی بود تا فارسی و عربی. می‌دیدم که پس از نماز جماعت که در خانه‌اش واقع در قلهک با جمعی از تحصیلکرده‌ها برگزار می‌کرد، مهندسین و دکترها بر سر واژه‌های آلمانی یا انگلیسی با او بحث می‌کردند و از او نظر می‌خواستند که به راستی برای من به‌عنوان هم‌لباس او غرورآفرین بود. [...]

فراخوان خاطره نویسی

سازمان راه داری و حمل و نقل جاده ای در نظر دارد مسابقه خاطره نویسی تحت عنوان «خاطرات سفرهای جاده ای» برگزار نماید. علاقمندان به شرکت در این مسابقه می توانند مطالب خود را پیرامون موضوعات ذیل تهیه و به روابط عمومی این سازمان ارسال نمایند.

به تعدادی از بهترین آثار ارسال شده جوایز ارزنده ای اهدا و خاطرات آنان نیز در کتاب مجموعه خاطرات و سایت اطلاع رسانی سازمان درج خواهد شد.

مهلت ارسال آثار: ۳۰ مرداد ۱۳۸۵

موضوعات مسابقه شامل شنیده ها، دیده ها و خاطرات تلخ و شیرین در خصوص:

-سفر با وسایل نقلیه عمومی حمل و نقل جاده ای (حقوق مسافر، آداب مسافرت و ...)

-راهداران، تلاشگران گمنام جاده ها (اقدامات شاخص راهداران، توفیقات راهداران و خانواده های آنان در عرصه های بین المللی و ملی، عملیات راهداری در شرایط سخت جوی و ...)

-رانندگان وسایل نقلیه عمومی، سختکوشان عرصه جاده ها (جایگاه اجتماعی رانندگان، تجربیات رانندگی در شرایط سخت، توفیقات رانندگان و خانواده های آنان در عرصه های بین المللی و ملی، رانندگان زندانی و...)

-امداد جاده ای (مشارکت در امداد رسانی، روشهای صحیح امداد رسانی و ...)

-پلیس راه (ایمنی با حضور پلیس راه، گشت پلیس راه، ترافیک جاده ای و پلیس راه، زندگی پلیس راه، از جان گذشتگی پلیس راه و ...)

-جاده ها، سرمایه های ملی (نگهداری و بهره برداری صحیح از جاده ها، تخریب جاده ها و تخریب وسرقت علایم و حوادث ناشی از آن و ...)

-احترام به قوانین و مقررات حمل و نقل و اثرات مثبت آن

-استفاده از مجتمع های خدماتی - رفاهی و سایر تأسیسات بین راهی

لطفاً قبل از ارسال آثار خود به موارد ذیل توجه فرمایید:

✓ مطالب به صورت خوانا و در صفحات A4 ارسال شود (در صورت امکان مطالب ارسالی تایپ شود)

✓ در ابتدای مطالب موضوع خاطره درج شود.

✓ حداکثر مطالب سه صفحه A4 باشد.

✓ مطالب به نویسنده مسترد نخواهد شد.

آدرس ارسال آثار: تهران - بلوار کشاورز- خیابان فلسطین جنوبی - خیابان دمشق - شماره ۱۹- طبقه ۱۲

روابط عمومی سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای Email:r-omoumi@tto.ir

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره های ۸۸۸۹۸۴۰۰-۸۸۸۹۸۳۹۷ تماس حاصل فرمایید.

اطلاعات این فراخوان در سایت اطلاع رسانی سازمان به نشانی www.tto.ir موجود است.

روابط عمومی
سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای

فراخوان سیزدهمین دوره کتاب سال دانشجویی ۱۳۸۵

به منظور بهره مندی هرچه بیشتر جامعه از اندیشه ها، آموخته ها و آثار دانشجویی و تجلیل وارج نهادن به کوششهای علمی دانشجویان نویسنده و مترجم، سیزدهمین دوره انتخاب کتاب سال دانشجویی در کلیه رشته های دانشگاهی برگزار می شود.
تمامی دانشجویان مولف و مترجم می توانند با ارسال دو جلد از کتاب خود در این فراخوان شرکت کنند. آثار برتر طی مراسمی در هفته کتاب معرفی خواهند شد.

شرایط شرکت:

■ همزمانی دوره تحصیل دانشجو با زمان تدوین، چاپ و انتشار اثر ضروری است.
■ شرکت در این فراخوان برای دانشجویان کلیه مقاطع تحصیلی بلامانع است.
■ اثر منتشر شده دارای مشخصات عمومی کتاب باشد.
■ تاریخ انتشار کتاب از سال ۱۳۸۴ به بعد باشد.
■ ارسال کپی متن اصلی اثر ترجمه شده الزامی است و آثار دریافت شده عودت داده نخواهد شد.
■ محدودیتی برای ارسال تعداد عناوین و موضوعات وجود ندارد.
■ به آثار برگزیده ای که توسط بیش از یک نفر تألیف یا ترجمه شده اند، صرفاً یک جایزه تعلق خواهد گرفت.
■ شرکت کنندگان باید اثر خود را حداکثر تا تاریخ ۸۵/۵/۱۵ به نشانی دبیر خانه کتاب سال دانشجویی ارسال دارند.
■ ناشران محترم می توانند مستقیماً آثار دانشجویی را به دبیر خانه کتاب سال دانشجویی ارسال نمایند.
ضمناً از ناشرانی که بیشترین مشارکت را در انتشار و ارسال آثار دانشجویی داشته باشند در مراسم معرفی آثار برتر، تقدیر به عمل می آید.
■ تکمیل فرم درخواست شرکت و ارسال آن به همراه تصویر کارت دانشجویی یا گواهی اشتغال به تحصیل از دانشگاه ضروری است.

موضوع ویژه:

باعنایت به سال پیامبر اعظم (ص) کتاب های نگارش یافته با موضوع زندگی، سیره و شخصیت پیامبر (ص) در بخش ویژه پذیرفته می شود.

فرم درخواست شرکت در سیزدهمین دوره کتاب سال دانشجویی

عنوان کتاب: تألیف ☐ ترجمه ☐
طبقه‌بندی شرکت در ۱۱ بخش اصلی: علوم انسانی ☐ علوم پزشکی ☐ علوم پایه ☐ علوم فنی و مهندسی ☐ هنر و معماری ☐ ۲ بخش ویژه ☐
نام و نام خانوادگی: تاریخ فراغت از تحصیل:
رشته و مقطع تحصیلی: ناشر و تاریخ نشر:
دانشگاه محل تحصیل: شمارگان و تعداد صفحات:
نشانی: کد پستی:
تلفن: نشانی اینترنتی:

نشانی دبیرخانه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فخر رازی، خیابان شهیدای زاهدی، پلاک ۱۵۴ سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی
صندوق پستی: ۱۱۶۴-۱۳۱۴۵
تلفن: ۶۶۹۵۲۷۲۶ و ۶۶۹۵۲۷۲۷
آدرس اینترنتی: www.isbo.ir
پست الکترونیکی: info@isbo.ir

دبیرخانه کتاب سال دانشجویی